

بازخوانی بنیادین مفهوم «سنت و بدعت» از

منظر اهل بیت علیهم السلام

رسول چگینی^۱

چکیده

سنت و بدعت دو مفهوم کاربردی در حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی است که احکام متعددی درباره آن در عقاید و فقه بیان شده است. بیشتر توجهات پیرامون این مسئله در مصادیق آن بوده است و کمتر به مبانی نظری آن و با نگاه ماهیت‌شناختی پرداخته‌اند. در این مقاله، ابعاد نظری سنت و بدعت از قبیل ماهیت، گونه شناسی، اقسام، خاستگاه، فرآیند شکل‌گیری و پیامدهای ایجاد سنت و بدعت از منظر اهل بیت علیهم السلام مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام، سنت و بدعت به دو گونه دینی و عرفی تقسیم می‌شود و سنت حسنه و سیئه، در زمره سنت عرفی جای می‌گیرند. در مورد بدعت، همه موارد گونه دینی آن، مذموم بوده و موارد پسندیده گونه عرفی آن، به عنوان سنت عرفی حسنه شناخته می‌شود. امامان معصوم علیهم السلام، هرگونه نوآوری در دین را گمراهی خوانده‌اند، اما برای انگیزش مسلمانان به ایجاد سنت‌های عرفی دارای امتداد اجتماعی و همسو با آموزه‌های دین، پاداش‌های فراوانی در نظر گرفته‌اند. در نقطه مقابل، گناه عمل‌کنندگان به سنت‌های عرفی ناپسند را برای بنیانگذار آن سنت سیئه، پیش‌بینی کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: سنت، بدعت، سنت حسنه، بدعت‌گذار، بدعت حسنه.

۱. دانش آموخته دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، رایانامه: rs1.chegini@yahoo.com

طرح مسئله

سنت و بدعت از جمله مفاهیم پرکاربردی هستند که مصادیق آن به طور مستقیم در حوزه عقاید و فقه مورد کاوش قرار می‌گیرد. پابندی به سنت‌های اسلامی به عنوان یکی از ویژگی‌های برجسته افراد و گروه‌ها شناخته می‌شود و بدعت‌گذاری و پیروی از بدعت از نشانه‌های گمراهی و ضلالت بیان شده است. اهمیت این دو مفهوم به میزانی است که اهل سنت خود را داعیه‌دار سنت معرفی کرده و از این عنوان برای مرزبندی میان خود و اهل بدعت استفاده کرده است.

در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) تأکیدات فراوانی بر سنت‌محوری و بدعت‌گریزی وجود دارد که بیانگر اهتمام ایشان به تبیین سنت‌های اسلامی و اجتناب از بدعت‌ها است. عالمان شیعه نیز در طول تاریخ با استناد به سخنان معصومان (علیهم‌السلام)، مصادیق سنت و بدعت را استخراج کرده و به پشتوانه قواعد عمومی و اصول کلی مستنبط از روایات، امور مستحدثه را از جهت سنت یا بدعت بودن مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در این میان، بازخوانی مفهوم سنت و بدعت اقدام مهمی است که در آثار موجود کمتر به آن پرداخته شده است. غیر از تعریف و اقسام سنت و بدعت که نوشته‌های زیادی به آن پرداخته‌اند، سایر ابعاد این دو مفهوم از قبیل گونه‌شناسی، خاستگاه، فرآیند شکل‌گیری و پیامدهای آن، نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد تا همه زوایای سنت و بدعت آشکار گردد.

در این مقاله، مفهوم سنت و بدعت از منظر اهل بیت (علیهم‌السلام) مورد بازخوانی قرار گرفته است و ابعاد مورد توجه ایشان از قبیل ماهیت، گونه‌شناسی، خاستگاه، اقسام، فرآیند شکل‌گیری و پیامدهای ایجاد آن استخراج گردیده است. برای این منظور، نخست شیوه‌های کاربست «سنت» در روایات مورد بررسی قرار گرفته است و با آگاهی از اقسام سنت، به بدعت که در مقابل یکی از اقسام سنت مورد اشاره است، پرداخته شده است.

از نوشته‌هایی که به عنوان پیشینه این بحث شناخته می‌شود مقاله «سنت و بدعت از دیدگاه شیعه» است. در این مقاله پس از مفهوم‌شناسی سنت و بدعت، ملاک سنت و بدعت از منظر شیعه بیان شده و در ادامه اقسام بدعت و حکم آن از منظر علمای شیعه تبیین گشته است (نهادنی و مختاری، ۱۳۹۸: ۱۱۹-۱۳۷). توضیحات دیگری درباره این دو مفهوم در این مقاله دیده نمی‌شود.

مقاله «سنت و بدعت در اسلام» از دیگر نوشته‌هایی است که این موضوع را بررسی کرده است. اما در این مقاله نیز تنها به تعریف و مصادیق سنت و بدعت با رویکرد مقارن اشاره شده است (واعظ زاده، ۱۳۷۴: ۲۴-۳۲).

آنگونه که از عنوان مقاله «بررسی و تبیین ارکان بدعت از منظر قرآن و سنت» پیداست، فقط ارکان بدعت در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است (مختاری، ۱۳۹۷: ۶۳-۷۹)؛ بنابراین، بازخوانی مفهوم سنت و بدعت از منظر اهل بیت (ع) و تبیین ابعاد گوناگون این مفهوم از ویژگی‌های مقاله حاضر خواهد بود.

در این پژوهش، پس از گردآوری و موضوع بندی روایات مربوط به سنت و بدعت، ابعاد نظری این دو مفهوم از میان روایات استخراج گردیده است. گستره پژوهش مختص به روایات اهل بیت (ع) در منابع شیعی است و با توجه به اینکه ارزیابی‌های استنادی و رجالی در رسالت این مقاله نبوده، تلاش شده است احادیث مورد نظر از منابع متقدم و معتبر گزینش شود.

۱. سنت

در این بخش پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی سنت، دیدگاه اهل بیت (ع) درباره ماهیت این مفهوم تبیین می‌گردد و سپس به ابعاد مختلف سنت از قبیل گونه‌ها، خاستگاه، فرآیند شکل گیری، پیامدهای ایجاد و اقسام سنت پرداخته می‌شود.

۱-۱. تعریف سنت

سنت در لغت به معنای طریقه و سیره است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ۳: ۶۱؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ۵: ۲۱۳۸). ابن منظور می‌نویسد: سنت به معنای سیره است؛ اعم از آن که نیک یا بد باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۳: ۲۲۵). جمع آن، «سُنَن» است مثل عُرْفَه و عُرْف (فیومی، بی‌تا، ۱: ۲۹۱). سنت پیامبر (ص) به معنای طریقه‌ای است که رسول خدا (ص) بر اساس آن اقدام کرده‌اند، و سنت خداوند، به معنای طریقه حکمت و اطاعت از او است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۲۹). سنت در قرآن کریم به خداوند و نیز به گذشتگان نسبت داده شده است؛ چنان که می‌فرماید:

﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (فتح: ۲۳)؛ این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است و هرگز برای سنت خدا تغییر نخواهی یافت.

و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يَعُوذُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ﴾ (انفال: ۳۸)؛ اگر به اعمال سابق بازگردند، سنت خداوند در گذشتگان، درباره آنها جاری می‌شود.

عالمان شیعه و اهل سنت، تعاریف مشابهی از سنت ارائه کرده‌اند. ابن رجب حنبلی (م ۷۹۵ق) می‌گوید: «سنت یعنی راهی که طی می‌شود؛ پس شامل تمسک به اعتقاد و اعمال و اقوالی که پیامبر ﷺ و خلفای راشدین بر آن بوده‌اند، می‌شود و این سنت کامل است» (ابن رجب، ۱۴۲۲ق، ۲: ۱۲۰).

شاطبی شافعی (م ۷۹۰ق) سنت را بر هر چیزی که از پیامبر ﷺ نقل شده باشد و جزء قرآن نباشد، می‌داند. او سنت را در مقابل بدعت نیز دانسته است که در این استعمال، سنت به معنای عمل بر اساس آن چیزی است که پیامبر ﷺ فرموده؛ چه در قرآن ذکر شده باشد و یا نشده باشد. همچنین سنت را بر عمل صحابه نیز اطلاق کرده است؛ به جهت اینکه عمل آنها بر اساس تبعیت از سنت یا اجماع میان خودشان است (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ۴: ۲۸۹).

محمد محمد ابو زهو (م ۱۴۰۳) از اندیشمندان اهل سنت بر این باور است که اصطلاح سنت بر حسب اغراضی که مورد استعمال قرار گرفته، دارای معانی گوناگونی است. علمای اصول فقه، سنت را بر اقوال، افعال و تقریرات پیامبر ﷺ و صحابه اطلاق کرده‌اند. علمای فقه، سنت را به طریقه‌ی پیش‌گرفته شده در دین که واجب و فرض نیست تعریف کرده‌اند. علمای وعظ و ارشاد نیز سنت را در مقابل بدعت به کار برده‌اند. علمای حدیث، سنت را برای اقوال، افعال، تقریرات، صفات خلقیه و خلقیه، سیره و جنگ‌های پیامبر ﷺ و گزارش‌هایی از زندگی آن حضرت قبل از بعثت به‌کار می‌برند (ابو زهو، ۱۳۷۸ق: ۱۰).

عالمان شیعه نیز گفته‌اند که سنت در اصل به معنای راه و طریقت بوده، سپس اختصاص یافته به طریقت حق که خدا آن را به واسطه پیامبر ﷺ برای مردم فرستاد تا با آن به خدا تقرب جویند و هر عمل شرعی و اعتقاد به حقی را شامل می‌شود (فیض کاشانی، ۱۳۴۹: ۷۴). طریحی (م ۱۰۸۵ق) لغت شناس برجسته شیعه می‌گوید: «سنت به معنای طریقه قولی، فعلی و تقریری پیامبر ﷺ است به اصالت یا به نیابت» (طریحی، ۱۳۶۵، ۶: ۲۶۸). مراد از نیابت، سنتی است که از طریق جانشینان پیامبر ﷺ که اهل بیت ﷺ ایشان هستند، منتقل شود.

۲-۱. سنت از منظر اهل بیت ﷺ

پس از آشنای با معنای لغوی و اصطلاحی سنت، لازم است با ماهیت سنت از دیدگاه اهل بیت ﷺ آشنا شویم و در ادامه ابعاد نظری آن مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲-۱. ماهیت سنت

معنای اصلی سنت که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) مورد استفاده قرار گرفته است، همان معنای طریقه و سیره است. عموم روایاتی که سنت را به کار بسته‌اند، این معنا را اراده کرده‌اند. امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾ (مائده: ۴۸)، شرعه و منهج را به معنای راه و سنت معنا کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۹). گویاترین تعبیری که این معنا را منعکس می‌کند، روایات معروفی است که بهترین سنت‌ها را سنت انبیا (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴: ۴۰۲) یا سنت رسول خدا (ص) (مفید، ۱۴۱۳ق [الف]، ۳۴۲) معرفی کرده است؛ این روایات افزون بر اینکه سنت انبیا را تأیید می‌کنند، بر وجود سنت‌های باطل دیگر اذعان دارند که معنای طریقه و سیره از آن قابل کشف است. بر این اساس، می‌توان سنت را دارای دو مفهوم دینی و عرفی دانست؛ معنای اصطلاحی سنت، مفهوم دینی آن را در بر می‌گیرد و معنای لغوی سنت، مفهوم عرفی آن را شامل می‌شود. این دو مفهوم را به عنوان دو گونه سنت یاد می‌کنیم.

۱-۲-۲. گونه‌های سنت

در یک تقسیم بندی کلی، می‌توان سنت را به دو گونه دینی و عرفی تقسیم کرد. سنت دینی، اموری است که در دین تشریع شده است و امکان تغییر و تصرف در آن وجود ندارد. مفهوم مقابل آن، بدعت است. سنت عرفی، آموزه‌های تکرارشونده‌ای است که توسط شخص یا جریانی بنیانگذاری می‌شود و به فرهنگی عمومی تبدیل می‌گردد. این سنت به دو قسم حسنه و سیئه تقسیم می‌شود. سنت حسنه، در واقع نوآوری‌ای است که می‌توان همسو با تعالیم دین است. اما سنت سیئه، همان بدعت است. در روایات، دو قسم سنت عرفی بیان شده است. این تقسیم بندی را می‌توان از روایاتی که پاداش پی‌ریزی سنت حسنه و سیئه را تبیین کرده است، به دست آورد. رسول خدا (ص) فرمودند: «کسی که سنت حسنه‌ای را بنیانگذاری کند، علاوه بر پاداش عمل خود، پاداش عمل کنندگان به آن سنت تا روز قیامت نیز نصیب او می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۹). این مفهوم در سخنان اهل بیت (علیهم السلام) منعکس شده و امام باقر (علیه السلام) (مفید، ۱۴۱۳ق [ج]: ۱۹۱) و امام صادق (علیه السلام) (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۲۸) روایاتی شبیه به آن را بیان کرده‌اند. هرچند روایات این باب، صراحتی در تعیین معنای سنت ندارند، اما تبیینی که برای آن ارائه شده، بیانگر آن است که سنت حسنه و سیئه، دو گونه سنت غیر واجب و در مقابل بدعت است؛ زیرا وضع پاداش برای بنیانگذار سنت حسنه، گویای آن است که این سنت خارج از محدوده شریعتی است

که تنها از سوی شارع مقدس وضع می‌شود و در نتیجه، حکم و جوب فقهی هرگز بر آن بار نمی‌شود. حتی کسب ثواب به نحو استحباب نیز به عنوان جزئیت آن سنت از مسائل دینی نیست و نمی‌توان آن را به نیت ورود در دین انجام داد.

۳-۲-۱. اقسام سنت

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام اقسام متعددی برای سنت نام برده شده است که دستیابی به معنای دقیق آن، مستلزم توجه به کاربرد آن است. به همین منظور، سنت را با توجه به مفاهیم مقابل آن به چهار دسته تقسیم می‌کنیم:

الف) سنت در کنار کتاب

اصلی‌ترین کاربرد سنت در روایات، با انتساب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استعمال شده است. مراد از این سنت، هر آموزه‌ای غیر از قرآن مجید است که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مسیر تبیین دین بنیانگذاری کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۵۵). سنت در این کاربرد، معنای گسترده‌ای دارد و همه احکام دین، اعم از واجب، مستحب و مندوب که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسیده باشد را شامل می‌شود. در مواردی که کلمه سنت در مقابل کتاب ذکر شده، مقصود این معنا است. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: «هیچ موضوعی نیست مگر اینکه حکمی از کتاب یا سنت برای آن وجود دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۹).

در این استعمال، سنت دارای دو مصداق است: سنت واجب که ترک آن ضلالت است و سنت غیر واجب که فضیلت به شمار می‌رود (همو، ۱: ۷۱)؛ مانند ختنه که واجب است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۱۲۵) و نماز شب که مستحب است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۱: ۴۲۷)، ولی هر دو با عنوان سنت معرفی شده‌اند. در برخی روایات، سنت مضاف الیه مفاهیمی قرار گرفته است که غیر از حکم و جوب یا استحباب آن، بر اهمیت آن تأکید دارد مانند «مهر السنة» که مربوط به میزان مهریه‌ای است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای همسرانشان برگزیدند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۷۶)، و «طلاق السنة» که بر شیوه صحیح طلاق که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آموخت دلالت دارد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۴۹۵)، و «صوم السنة» که بیانگر روزه‌های مستحب در طول سال است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۴: ۳۰۳).

سنت به این معنا شامل سنت‌های اختصاصی و غیر اختصاصی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌شود. مراد از سنت اختصاصی، مواردی است که در قرآن ذکر نشده و فقط از طریق پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تشریع شده است. سنت غیر اختصاصی، اموری است که قرآن نیز به

آن حکم کرده است مانند متعه که قرآن بر مشروعیت آن حکم کرده و سنت پیامبر ﷺ نیز بر آن جاری گشته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۴۹).

البته نمی‌توان نسبت به تفاوت سنت با سیره بی تفاوت بود؛ زیرا در کلامی که امام باقر ﷺ از امام زمان ﷺ حکایت کرده‌اند، حضرت پس از ظهور برای معرفی خود، اینگونه هم‌آورد می‌طلبند که من سزاوارترین مردم به سنت و سیره رسول خدا ﷺ هستم (مفید، ۱۴۱۳ق [الف]: ۲۵۷).

ناگفته نماند در روایات، سنت بر امور ایجابی اطلاق شده است و نهی و ترک افعال توسط پیامبر ﷺ به عنوان سنت ایشان قلمداد نگشته است. به نظر می‌رسد روایاتی که مخالفت با کتاب و سنت را کفر دانسته (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۷۰)، مراد مخالفت، با وجود علم به حکم دین و از روی دشمنی با کتاب و سنت است.

ب) سنت در مقابل بدعت

در این استعمال، هر حکمی که از جانب دین بیان شده باشد، به عنوان سنت نامیده شده است؛ مانند روایتی که قاتل و مقتول را در نبردی که بر غیر سنت باشد، مستحق آتش دانسته است (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ۲: ۴۶۲). از این جهت سنت بر همه احکام دین اطلاق می‌شود با این توجیه که حتی قرآن نیز از طریق پیامبر خدا ﷺ بر مردم نازل شده است؛ بنابراین، رسول الله ﷺ طریق به احکام دین بوده‌اند و همه آموزه‌های دینی به پیامبر ﷺ نسبت داده می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به اینکه خداوند تشریع کننده همه امور است، این سنت به خداوند نیز نسبت داده می‌شود؛ مانند دعایی که امام صادق ﷺ برای سنت ختنه فرمودند: «اللهم هذه سنتک و سنة نبیک» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۴۸۸).

مفهوم مخالف این سنت، بدعت است و روایاتی که از برگزیدن بدعت‌ها نهی کرده، این معنای از سنت را اراده کرده‌اند، مانند سخن امام باقر ﷺ که فرمودند: کسی که سنت عدلی پایه‌ریزی کند، پاداش عمل کنندگان آن سنت به او می‌رسد و کسی که سنت ظالمانه‌ای پایه‌ریزی کند، گناه کسانی که به آن عمل کنند برای او نوشته می‌شود (مفید، ۱۴۱۳ق [ج]: ۱۹۱). در روایت دیگری بیان شده که اعمال کوچکی که بر اساس سنت باشد ارزش‌تر از اعمال زیادی است که از بدعت سرچشمه گرفته باشد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۷۰). امام باقر ﷺ فرمود: «هر انسانی دارای نشاط و ضعفی است. پس کسی که اعمالش هنگام ضعف بر اساس سنت باشد به تحقیق هدایت یافته و

کسی که اعمالش هنگام ضعف بر اساس بدعت باشد، به تحقیق گمراه شده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۷۰). رسول خدا ﷺ از اینکه بدعت‌ها به عنوان سنت انگاشته شود، برحذر داشته و هر آموزه بدعی که به عنوان سنت معرفی شود را نفی کردند. پیامبر ﷺ فرمود: «ای مردم آگاه باشید، هیچ پیامبری بعد از من نیست و هیچ سنتی پس از سنت من وجود ندارد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴: ۱۶۳). امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به آثار ویرانگر تبدیل سنت خدا و تجاوز از حدود الهی اشاره فرموده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۳۸۹).

روایاتی که بر لزوم پیروی از سنت و نهی از قیاس در سنت دلالت دارد، نیز این معنا را منعکس می‌کنند مانند سخن پیامبر خدا ﷺ که فرمودند: «هیچ سخنی [پذیرفته] نیست مگر با عمل، هیچ عملی [پذیرفته] نیست مگر با نیت و هیچ قول و عمل و نیتی [پذیرفته] نیست مگر با مطابقت با سنت» (همو، ۱: ۷۰). همچنین امام باقر علیه السلام که فرمودند: «سنت قابل قیاس نیست» (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۲۱۴) و یا عبارت معروف امام صادق علیه السلام که فرمودند: «اگر در سنت قیاس راه پیدا کند، دین از بین می‌رود» (همان).

ج) سنت در کنار فریضه

کاربرد دیگر سنت در روایات، در مقابل فریضه است. با توجه به اینکه فریضه در دو معنا به کار رفته است، سنت در این استعمال نیز دو معنا را منعکس می‌کند:

اول) واجب غیر کتابی

در برخی روایات، سنت در مقابل فریضه استعمال شده است ولی همچنان معنای وجوب از آن فهمیده می‌شود. در این صورت، فریضه به معنای واجبی است که در قرآن بیان شده است و سنت مورد اشاره، احکامی است که از طریق رسول خدا ﷺ بیان شده است اما وجوب آن ثابت است؛ مانند سخن امام صادق علیه السلام که وقوف در مشعر را فریضه، و حلق و رمی جمرات را سنت نامیده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ۲: ۶۰۷)؛ این در حالی است که علمای شیعه و سنی به اتفاق بر واجب بودن حلق و رمی جمرات حکم کرده‌اند. همچنین کلام امام صادق علیه السلام که فرمودند: طهور، وقت، قبله، رکوع و سجود فریضه نماز است و قرائت، تشهد و تکبیر سنت نماز است (همو، ۱: ۲۸۵)؛ و یا طواف فریضه است و سعی سنت (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۳۲۲). در توضیح این سنت گفته‌اند که مراد از این سنت، احکامی است که از طریق روایات پیامبر ﷺ ثابت شده باشد (همان؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱: ۲۸۵ پاورقی ۳). از برخی روایات، تفکیک میان واجب کتابی و غیر کتابی را می‌توان برداشت کرد مانند این روایت که خداوند

زکات را واجب کرد و پیامبر ﷺ مصادیق آن را تعیین کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۵۰۹).

روایت دیگری از امام کاظم ﷺ نقل شده است که بر این معنا از سنت دلالت دارد؛ در این روایت امام کاظم ﷺ می‌فرمایند: «کسی که از یک سنت از سنت‌های واجب پیامبر ﷺ روی گردان شود، مانند کسی است که از یکی از فرائض خداوند روی گردان شده است» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۶). سنت مورد اشاره در این روایت به قرینه «الموجبات» بر سنت واجب دلالت دارد. همچنین روایت امام صادق ﷺ که فرمود: «سجده بر زمین فریضه و بر غیر زمین سنت است» (همان: ۲۳۵). در فقه ثابت است که سجده یا بر زمین یا چیزی که از زمین می‌روید واجب است.

همچنین روایت دیگری که درباره اولویت انجام غسل جنابت یا غسل میت برای کسی که فقط به اندازه یکی از این دو، آب دارد، سؤال پرسیده شد و امام رضا ﷺ بر لزوم غسل جنابت حکم کردند و در مقام تعلیل فرمودند: «زیرا غسل جنابت، فریضه و غسل میت، سنت است» (همو، ۱: ۱۱۰). این در حالی است که غسل میت در فرض مذکور نیز واجب است.

دوم) استحباب

در این روایات، سنت در مقابل فریضه قرار گرفته است که معنای استحباب از آن فهمیده می‌شود. در این استعمال، سنت به معنای دستورات پیامبر ﷺ است که به درجه وجوب نرسیده است مانند اینکه از امام رضا ﷺ درباره حکم غسل روز جمعه، عید قربان و عید فطر سؤال شد و حضرت فرمودند: سنت است و فریضه نیست (همو، ۱: ۱۱۲). همچنین روایتی که امام باقر ﷺ مقدار مفروض کفن میت را سه پارچه معین کرده و بیش از آن را سنت دانستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۱۴۴). وقتی از امام صادق ﷺ تفاوت سنت پیامبر ﷺ با فریضه الهی پرسیده شد، حضرت بر این نکته تأکید کردند که ترک و انکار فریضه الهی، موجب کفر می‌شود اما سنت نبوی ﷺ امور پسندیده‌ای است که ترک آن، موجب محروم شدن از خیر می‌شود (همو، ۲: ۳۸۳). از این تفاوت نیز می‌توان به مستحب بودن سنت در این معنا پی برد.

روایاتی که سنت را در کنار فریضه و ادب قرار داده‌اند (برقی، ۱۳۷۱ق، ۲: ۴۵۹)، حاکی از آن است که سنت، فراتر از یک رسم و فرهنگ رفتاری است و ماهیت آن در بستر تشریع شکل می‌گیرد؛ بنابراین نمی‌توان سنت را تنها در حدّ یک هنجار اخلاقی و اجتماعی دانست، بلکه به مثابه جزئی از شریعت الهی است که متعلق پاداش قرار

می‌گیرد. به همین جهت امام صادق علیه السلام با وجود حکم بر غیر واجب بودن اقامه نماز به صورت جماعت، اما روی گردانی بدون علت از نماز جماعت را موجب پذیرفته نشدن نماز دانستند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۲۴).

ناگفته نماند این معنای از سنت، همواره در تقابل با فریضه فهمیده نمی‌شود بلکه برخی روایات، تنها بر سنت بودن عملی صراحت دارند که استحباب آن فهمیده می‌شود همچون سنت بودن قرار دادن بینی بر روی زمین هنگام سجده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۳۱۲). بدیهی است سنت بودن یک عمل به این معنا، از ارزش ذاتی آن عمل نمی‌کاهد و شایستگی پایبندی بر انجام آن عمل همچنان باقی است، به همین جهت امام باقر علیه السلام اعراض از سنت‌های نبوی صلی الله علیه و آله را ناخوش می‌داشتند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۱۵).

د) سنت در کنار استحباب

در برخی روایات، سنت در مقابل مستحب ذکر شده است که به نظر می‌رسد اشاره به تأکید در استحباب آن و لزوم پایبندی ویژه به آن عمل دارد. همچنین حضرت در برشمردن غسل‌های واجب و مستحب، پس از ذکر مواردی از غسل‌های واجب مانند غسل جنابت و میت، غسل شب اول ماه رمضان و غسل استخاره را مستحب خوانده‌اند اما غسل شب ۲۱ و ۲۳ ماه رمضان را سنتی که نباید ترک شود توصیف کرده‌اند: «و غسل أول ليلة من شهر رمضان يستحب وغسل ليلة إحدى وعشرين وغسل ليلة ثلاث وعشرين سنة لا تتركها فإنه يرجی فی إحدیهن ليلة القدر وغسل يوم الفطر وغسل يوم الاضحی سنة، لا أحب تركها وغسل الاستخارة يستحب» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۰). این در حالی است که عموم فقهای شیعه بر استحباب این امور فتوا داده‌اند و کسی از آن وجوب برداشت نکرده است.

به نظر می‌رسد برخی روایاتی که سنت را با وصف «وجوب» به کار بسته‌اند نیز همین معنا را اراده کرده‌اند همچون قنوت برای نماز (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ۲: ۶۰۴)، و دعا پیش از طلوع و غروب خورشید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۵۳۲) که به عنوان سنت واجب معرفی شده‌اند؛ بنابراین، سنت در این معنا، بر استحباب تأکید دلالت دارد.

۴-۲-۱. خاستگاه سنت

در پرتو تقسیم سنت به حسنه و سیئه، خاستگاه سنت را می‌توان در دو جبهه حق و باطل ترسیم کرد. بالاترین درجه سنت در جبهه حق، آموزه‌های وحیانی است که خداوند متعال آنها را در قالب شریعت برای انبیا و پیامبران وضع کرده است. بنابراین، انبیا اولین حلقه ایجاد سنت حق در میان بشریت بوده‌اند. این برداشت را

می‌توان از روایاتی که به انتقال سنت انبیای گذشته به آیندگان اشاره دارد، به دست آورد؛ برای نمونه پیامبر خدا ﷺ سنت انبیای پیشین را در حق ائمه اطهار علیهم السلام جاری دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۹۳). همچنین امام باقر علیهم السلام توضیح داده‌اند که هر وصی پیامبری بر یک سنتی بوده است و اوصیای پیامبر اکرم ﷺ بر سنت اوصیاء حضرت عیسی علیهم السلام بوده‌اند و امیرالمؤمنین علیهم السلام بر سنت حضرت مسیح علیهم السلام بوده است (همان: ۵۳۲). امام صادق علیهم السلام نیز بر انتقال سنت هزار پیامبر به امیرالمؤمنین علیهم السلام تصریح کرده‌اند (همان: ۲۲۲). در این میان، سیره امام زمان علیهم السلام دربردارنده سنت‌هایی از انبیای پیشین همچون آدم علیهم السلام، نوح علیهم السلام، ابراهیم علیهم السلام، موسی علیهم السلام، عیسی علیهم السلام، ایوب علیهم السلام و محمد ﷺ است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۱: ۲۸). در همه این روایات، سنت‌های حسنه برای انبیای پیشین تشریع شده و سپس به فراخور کاربست آنها، به انبیا و اوصیای پسین منتقل شده است.

البته این سنت انبیای پیشین، حوزه‌های مختلفی را شامل می‌شود و مواردی از قبیل اعتراف به گناه از سنت فرزندان حضرت آدم علیهم السلام (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ۲: ۴۰۰)، تعیین جانشین از سنت‌های یعقوب نبی علیهم السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۹۱)، و کفن و دفن حجت خدا توسط دیگر حجت خدا از سنت موسی بن عمران علیهم السلام (همان: ۳۸۵) را در بر می‌گیرد.

صد البته همه سنت‌های مورد اشاره در روایات، اختصاص به سنت‌های پیامبران ندارد، بلکه حتی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز به عنوان سنت یاد شده‌اند مانند کنار گذاشتن توشه سفر در مسافرت‌های جمعی که رسول خدا ﷺ آن را به عنوان سنت مورد تأیید قرار دادند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲: ۲۷۸).

اگرچه ممکن است بسیاری از این رفتارهای پسندیده، خاستگاه وحیانی داشته باشد و تحت تأثیر آموزه‌های انبیای الهی در میان مردم نهادینه شده باشد، اما جز آن، رفتارهای ناپسندی نیز وجود دارد که در روایات به عنوان سنت یاد شده‌اند؛ از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است که سرچشمه پاره‌ای از رفتارهای ناپسند، فتنه‌های اغوا کننده‌ای هستند که نزد برخی مردمان به سنت تبدیل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۵۹). آبشخور این سنت‌ها، جبهه باطل است که در مواردی از درهم آمیختگی حق و باطل به دست آمده است؛ در نتیجه، اصلاح آنها نیز امر دشواری است که به قدرت و نفوذ فراوان در میان توده مردم نیاز دارد. به همین جهت، وقتی امام رضا علیهم السلام مجبور به پذیرش ولایت‌عهدی مأمون عباسی شدند، شرط کردند که در لغو رسوم و سنت‌ها هیچ نقشی نداشته باشند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲: ۱۴۰). اهل بیت علیهم السلام مواردی از

سنت‌های ناپسند را معرفی کرده‌اند از قبیل: «سنت ظالمان» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۱۸۱)، «سنت آل فرعون» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۶۴)، «سنت عمر» در نماز تراویح (همان: ۶۳)، «سنت آل ابی سفیان» و «سنت آل زیاد» در به شهادت رساندن امام حسین (علیه السلام) (همان، ۴: ۱۴۶) و عید قرار دادن آن روز (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۶۷).

۵-۲-۱. فرآیند شکل‌گیری سنت

فرآیند شکل‌گیری سنت را باید بر اساس معنای مورد نظر آن پیگیری کرد. سنت در کنار کتاب که بر امور واجبی که از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تشریع شده دلالت دارد، از جانب شارع مقدس به عنوان شریعت به انبیا ابلاغ شده است. اگرچه همه ارکان شریعت از سوی خداوند متعال برگزیده شده است، اما در روایات اهل بیت (علیهم السلام)، فرآیند ایجاد برخی سنت‌ها به خوبی تبیین شده است. برای نمونه امام صادق (علیه السلام) به ماجرای سعی بین صفا و مروه توسط هاجر اشاره کرده و فرمودند: «خداوند آن را به عنوان سنت، جاری گرداند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۲۰۲). سنت شدن این عمل، به معنای ابلاغ توسط فرستادگان الهی و شریعت شدن آن عمل است.

از روایاتی که به ایجاد سنت از سوی خداوند اشاره دارد، می‌توان به این فرآیند دست یافت؛ مانند روایتی از امام باقر (علیه السلام) که اطاعت از فرستادگان الهی را سنتی از سوی خداوند دانستند که از زمان نخستین انسان‌ها تا آخرین افراد بر آنها لازم شده است (همو، ۱: ۳۵۶)، و یا سنت جمع کردن حج تمتع و عمره در یک سفر که خداوند آن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ابلاغ کرد تا سنتی برای امت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شود (ابن بابویه، ۳۸۵ق، ۲: ۴۱۴)؛ بر این اساس، خداوند اطاعت از پیامبران را به حضرت آدم (علیه السلام) و سنت جمع حج تمتع و عمره را به پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) ابلاغ کرده است.

در این میان نمی‌توان نقش کانونی پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) در ایجاد و فراگیری سنت اسلامی را نادیده گرفت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به دلیل جایگاه تبیین‌گر دین و نقش الگو مدارانه‌ای که در قرآن نیز به آن تأکید شده است (احزاب: ۲۱)، از هیچ تلاشی برای فرهنگ‌سازی سنت‌های پسندیده فروگذار نکردند. روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که امام صادق (علیه السلام) راوی آن هستند، بیانگر اهتمام ایشان در ترویج سنت‌های اخلاقی در جامعه جاهلی عصر نزول است؛ در این روایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «پنج چیز است که تا هنگام مرگ آنها را رها نمی‌کنم: غذا خوردن روی زمین با برده‌ها و سوار شدن بر الاغ پالان شده و دوشیدن شیر با دست خودم و پوشیدن لباس پشمی و سلام دادن بر کودکان، تا پس از من سنت باشد» (ابن بابویه، ۳۶۲ش، ۱: ۲۷۱). گستره این سنت‌ها حوزه‌های گوناگونی را در بر گرفته است و حتی در امور بهداشت شخصی نیز

شاهد به جای ماندن سنت‌های پسندیده از رسول خدا ﷺ هستیم مانند مسواک زدن که به عنوان سنت پیامبر ﷺ توصیف شده است (همو، ۲: ۶۱۱).

روایاتی که بر لزوم پایبندی مؤمنان بر پاره‌ای سنت‌های الهی تأکید می‌کند، بر نقش سازنده بدنه ایمانی جامعه در ترویج و گسترش سنت‌ها دلالت دارد؛ در این راستا شایسته است که مؤمنان برخی از این سنت‌ها را در خود تجلی دهند. امام رضا (ع) به سنت‌هایی از خدا و رسول خدا و ولی خدا اشاره کرده‌اند که سنگ محک درجه ایمان مؤمنان به شمار می‌رود مانند کتمان سر، مدارا با مردم و صبر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۲۴۱).

۶-۲-۱. پیامدهای ایجاد سنت

با توجه به اینکه سنت عرفی، در دسترس‌ترین نوع آن است که امکان ایجاد و ترویج آن توسط عموم مردم جامعه فراهم است، اهل بیت (ع) توجه ویژه‌ای به تبیین ابعاد آن روا داشته‌اند. مهمترین کارکرد این سنت‌ها را می‌توان فرهنگ‌سازی رفتارهای پسندیده یا ناپسند در جامعه دانست؛ از این رو، اهل بیت (ع) نسبت به پیامدهای ایجاد سنت حسنه یا سیئه، آگاهی‌های لازم را بیان فرموده‌اند. معروف‌ترین روایت در این زمینه را می‌توان حدیث نبوی «من سن سنة حسنة فله أجرها وأجر من عمل بها إلى يوم القيامة» (همو، ۵: ۹) دانست که از سوی اهل بیت (ع) نیز مفاهیم همپوشان آن نقل شده است؛ مانند سخن امام باقر (ع) که پاداش همه انجام دهندگان سنت حسنه را برای بنیانگذار آن سنت و در نقطه مقابل، گناه همه انجام دهندگان سنت سیئه را برای بنیانگذار آن دانسته‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق [ج: ۱]؛ ۱۹۱). بنابراین، اهمیت بنیانگذاری سنت به میزانی است که حتی پس از مرگ نیز تبعات آن گریبان‌گیر پایه‌گذار آن خواهد بود.

البته حجم روایات این موضوع در یک سطح نیستند و بیشتر عبارات، به ترغیب و انگیزش در بُعد سنت‌های حسنه مربوط است تا کنشگری آحاد جامعه در پالایش فرهنگ را به رسمیت بشناسند. برای نمونه امام صادق (ع) تأیید کرده‌اند که پایه‌گذار سنت حسنه، حتی اگر نتواند به سنت خود عمل کند نیز مستحق دریافت پاداش است (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۲۸). در روایت دیگری، حضرت به راه‌های دستیابی روح انسان پس از مرگ به ثواب دنیوی اشاره کرده و آن را صدقه جاریه، سنت هدایت‌بخش و ولد صالح دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۵۶). در منابع اهل سنت روایاتی از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است که همین مضمون را منعکس می‌کند با این تفاوت که به

جای سنت هدایت‌بخش، علم نافع گفته شده است (نیشابوری، ۳۷۴ق، ۳: ۱۲۵۵). شیخ کلینی به نقل از امام کاظم علیه السلام، روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که حضرت، یکی از گونه‌های علم مفید را، علم به سنت پایدار دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۲). با کمک این روایات می‌توان اینگونه برداشت کرد که علم سودمندی که موجب آگاهی مردم شود نیز از مصادیق سنت حسنه به شمار می‌رود.

نتیجه سخن در این بخش اینکه سنت در روایات اهل بیت علیهم السلام در معانی گوناگونی استعمال شده است که سنت دینی در مقابل بدعت، به معنای همه آموزه‌هایی است که از جانب دین بیان شده باشد. بدیهی است دستیابی به مصادیق سنت مستلزم واکاوی مفهوم مقابل آن یعنی بدعت است. به همین منظور در ادامه بدعت را از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲. بدعت

در این بخش ابعاد گوناگون بدعت که در روایات به آنها اشاره شده است از قبیل ماهیت، اقسام، فرآیند شکل‌گیری و پیامدهای ایجاد آن تبیین می‌شود.

۲-۱. تعریف بدعت

پیش از بیان دیدگاه اهل بیت علیهم السلام درباره ماهیت بدعت، لازم است این مفهوم از جهت لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار گیرد.

بدعت در لغت از واژه «ب د ع» مشتق شده است. بدع دارای دو معنای ساخت چیزی بدون نمونه پیشین و انقطاع است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ۱: ۲۰۹). خلیل بن احمد فراهیدی بدع را به معنای احداث چیزی که قبلاً نه آن و نه نام و آگاهی از آن وجود نداشته، معنا کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۵۴). بر این اساس، بدعت دینی، امر نوپدید است که بعد از اكمال دین به آن افزوده شده است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۱۱۸۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۸: ۶). راغب اصفهانی بدعت در مذهب را به معنای وارد کردن اعتقادی در شریعت که صاحب شریعت آن را بیان نکرده است و نمونه دیگر و اصول متقنی بر آن دلالت ندارد (راغب، ۱۴۱۲ق، ۱۱۱).

البته این نکته را نیز افزوده‌اند که بدعت به معنای نقص یا زیاده در دین است که گاهی مکروه نیست و به جهت وجود اصلی در شرع یا اقتضای مصلحت، مفسده بدعت از بین می‌رود و بدعت مباح نامیده می‌شود (فیومی، بی‌تا، ۱: ۳۸). ابن اثیر جزری (م ۶۰۶ق) لغت‌شناس اهل سنت و فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵ق) لغت‌شناس متأخر شیعی نیز این سخن را نقل کرده‌اند که بدعت بر دو گونه است: بدعت هدایت‌بخش و

بدعت گمراه کننده. پس هر امری که بر خلاف دستورات خداوند و پیامبر ﷺ باشد، در جایگاه ذم و انکار است و هر امری که در راستای دستورات و سفارشات خداوند و پیامبر ﷺ باشد، در جایگاه ستایش است (ابن اثیر، ۳۹۹ق، ۱: ۱۰۶؛ طریحی، ۳۶۵ق، ۴: ۲۹۹).

عالمان اسلامی در تبیین معنای بدعت، تعاریف گوناگونی ارائه کرده‌اند: شاطبی مالکی (م ۷۹۰ق) تعریف عام خود را از بدعت اینگونه آورده است: «بدعت به معنای شیوه‌ای نو ساخته و به ظاهر شرعی در دین است که با قصد عمل به شریعت انجام می‌شود» (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۵۱).

ابن رجب حنبلی (م ۷۹۵ق) نیز در تعریف بدعت می‌گوید: «بدعت آن چیزی است که در دین ایجاد شده و هیچ اصلی در شریعت بر آن دلالت ندارد، اما اگر اصلی در شریعت داشته باشد، بدعت شرعی نیست اگرچه بدعت لغوی است» (ابن رجب، ۱۴۲۲ق، ۲: ۱۲۷).

ابن حجر عسقلانی شافعی (م ۸۵۲ق) می‌گوید: «بدعت در اصل به معنای هر چیزی است که بدون نمونه قبلی احداث شده باشد و در شرع در مقابل سنت قرار دارد پس مذموم است، و تحقیق این است که بدعت اگر تحت امور پسندیده در شرع قرار گیرد، بدعت حسن است و اگر تحت امور قبیح در شرع قرار گیرد، بدعت قبیح است و اگر هیچیک از آنها نباشد، از قسم مباح است و گاهی نیز به احکام خمس تقسیم شده است» (ابن حجر، ۳۷۹ق، ۴: ۲۵۳).

عبدالحق دهلوی حنفی (م ۱۰۵۲ق) نیز با استناد به روایت «مَنْ سَنَّ سَنَةً حَسَنَةً» و «مَنْ سَنَّ سَنَةً سَيِّئَةً»، بدعت را به دو بخش هدایت و ضلالت تقسیم کرده و برای بدعت حسنه، پاداش و برای بدعت سیئه عقاب در نظر گرفته است (دهلوی، ۱۴۳۵ق، ۱: ۴۴۶).

عالمان شیعه نیز تعاریف خود از بدعت را اینگونه بیان کرده‌اند: سید مرتضی (م ۴۳۶ق) در تعریف بدعت می‌گوید: «بدعت یعنی زیاده یا نقصان در دین که به دین نسبت داده شود» (شریف مرتضی، بی‌تا، ۲: ۲۶۴).

علامه حلی (م ۷۲۶ق) و فرزند او فخر المحققین (م ۷۷۱ق) (حلی، ۱۳۸۷ق، ۱: ۷۸)، و شهید ثانی (م ۷۸۶ق) (عاملی، ۱۴۱۹ق، ۲: ۱۸۳) بدعت را اینگونه تعریف کرده‌اند: داخل کردن چیزی در دین که جزئی از دین نباشد (حلی، ۱۴۱۲ق، ۲: ۱۲۱).

علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ق) می‌گوید: «بدعت در عرف شرع آن چیزی است که بعد از رسول خدا ﷺ ایجاد شده باشد و هیچ نصی در خصوص آن وارد نشده باشد و داخل در برخی عمومات نباشد و یا نهی خصوصی یا عمومی درباره آن وجود داشته باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۱: ۷۸).

سید محسن امین (م ۱۳۷۱ق) نیز می‌گوید: «بدعت به معنای داخل کردن چیزی در دین است که جزء دین نباشد» (امین، ۱۳۸۲ق: ۱۰۳).
آیت الله سبحانی پس از بررسی تعاریف عالمان اهل سنت و شیعه درباره بدعت، به سه مقوم اصلی در ماهیت بدعت اشاره کرده است:
اول: دخالت کردن در عقیده یا حکم دینی، با زیاد کردن یا کم کردن.
دوم: همراه با انتشار و دعوت باشد.

سوم: هیچ دلیل عمومی یا خصوصی در شرع بر جواز آن وجود نداشته باشد (سبحانی، ۱۳۷۵: ۳۳).

در نتیجه بدعت به معنای وارد کردن عقیده یا حکمی در دین است که ادله عمومی یا اختصاصی بر جواز آن وجود نداشته باشد و با دعوت و انتشار همراه باشد. اکنون به سراغ روایات اهل بیت ﷺ می‌رویم تا این مفهوم را از منظر اهل بیت ﷺ مورد واکاوی قرار دهیم.

۲-۲. بدعت از منظر اهل بیت ﷺ

بیشترین مفاهیمی که در روایات اهل بیت ﷺ پیرامون بدعت مورد استفاده قرار گرفته است، مربوط به پیامدهای ایجاد بدعت و بدعت‌گذار است. در این بین، روایاتی نیز به ماهیت بدعت و فرآیند ایجاد آن اشاره دارند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲. ماهیت بدعت

بهترین روایتی که ماهیت بدعت را آشکار ساخته، سخنی از امیرالمؤمنین علی ﷺ است که در پاسخ به سؤالی که از ماهیت سنت و بدعت پرسیده شده، بیان فرمودند: «سنت آن چیزی است که رسول خدا ﷺ بنیانگذاری کرده باشد و بدعت آن چیزی است که بعد از ایشان ایجاد شده باشد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۱۵۵).

این تعریف با تعریف اصطلاحی بدعت سازگار است؛ زیرا قید «بعد از پیامبر ﷺ» ایجاد شده باشد، به معنای انجام مطلق هر عمل نیست که در این صورت اعمال بسیاری را باید بدعت دانست؛ بلکه مراد عملی است که به عنوان عمل دینی و شرعی

برگزیده شود. تأکید بر جایگاه پیامبر ﷺ در تعیین سنت و بدعت، به جهت شأن تشریع ایشان است و عملی که پس از ایشان انجام گیرد، به معنای شریعت‌انگاری یک عمل پس از صاحب شریعت است. در نتیجه بدعت به معنای امری است که پس از پیامبر ﷺ به عنوان عمل دینی انجام گیرد و این به معنای داخل کردن امری در دین است که جزء دین نباشد.

روایت دیگری که از هر نوآوری بر حذر داشته و آن را بدعت خوانده است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۳۷)، نیز به نوآوری در دین انصراف پیدا می‌کند؛ زیرا هیچ دلیلی برای مذمت نوآوری در مسائل غیر دینی به چشم نمی‌خورد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن دیگری بدعت گذار را کسی دانسته‌اند که سنت و حجتی برای نوآوری‌های خود ندارد (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۲۵۴). به نظر می‌رسد می‌توان این روایت را مؤید این بخش از تعریف بدعت دانست که ادله عمومی و اختصاصی بر مشروعیت بدعت وجود نداشته باشد. بر این اساس، اگر حجتی که شامل عمومات یا ادله اختصاصی می‌شود، بر عمل نوآورانه وجود داشته باشد، نمی‌توان آن عمل را بدعت دانست.

در برخی روایات، اهل بدعت با عنوان مخالف کتاب و سنت معرفی شده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۶۸)، که از این توصیف می‌توان به این نکته پی برد که بدعت دو روی ایجابی و سلبی دارد و همانگونه که ایجاد عملی که در شرع وجود ندارد بدعت محسوب می‌شود، ترک عملی که در شرع ثابت است نیز بدعت است. صدالبته این ترک باید با اعتقاد به مشروع نبودن آن عمل باشد و نه ترک از روی کاهلی و کسالت. در نتیجه می‌توان ابراز کرد تعریف اصطلاحی بدعت که از سوی برخی علمای شیعه مانند علامه مجلسی مطرح شده، منطبق بر روایات است. علامه مجلسی در تعریف بدعت می‌گوید: «بدعت در عرف شرع آن چیزی است که بعد از رسول خدا ﷺ ایجاد شده باشد و هیچ نصی در خصوص آن وارد نشده باشد و داخل در برخی عمومات نباشد و یا نهی خصوصی یا عمومی درباره آن وجود داشته باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۱: ۷۸).

۲-۲-۲. گونه‌های بدعت

پیرو تقسیم سنت به دو گونه دینی و عرفی، بدعت نیز به دو گونه دینی و عرفی تقسیم می‌شود. بدعت دینی، دربرگیرنده معنای اصطلاحی بدعت است و به معنای ایجاد امری در دین است که هیچ نصی در خصوص آن وارد نشده باشد (مجلسی،

۱۴۰۴ق، ۱۱: ۷۸). بدعت عرفی اما، وامدار معنای لغوی بدعت است و به معنای ایجاد و احداث چیزی است که از قبل وجود نداشته است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۲: ۵۴). بر این اساس، بدعت دینی، به هر شکلی مذموم و مورد نهی اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۷)، اما می‌توان برای بدعت عرفی که در نقطه مقابل سنت عرفی است، تأییداتی یافت؛ زیرا روی دیگر بدعت عرفی، سنت عرفی است و همانگونه که سنت عرفی به حسنه و سیئه تقسیم شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۹)، می‌توان بدعت عرفی را به دو قسم حسنه و سیئه تقسیم کرد. بدعت عرفی حسنه، همان سنت عرفی حسنه است و بدعت عرفی سیئه، همان سنت عرفی سیئه. ناگفته نماند این تقسیم در روایات بیان نشده است و با تحلیل آنها به دست می‌آید.

۳-۲-۲. اقسام بدعت

یکی از موضوعات مهم در بحث بدعت، اقسام بدعت است. برخی علمای اهل سنت بدعت را به اقسام مختلفی تقسیم کرده‌اند. از جمله شافعی (م ۲۰۴ق) بدعت را به دو قسم تقسیم کرده است؛ اول: بدعتی که مخالف کتاب یا سنت یا اثر یا اجماع باشد که این بدعت ضلالت است. دوم: بدعتی که مخالف هیچ یک از موارد ذکر شده نباشد که بدعت غیر مذموم است. مصداق این بدعت را نماز تراویح ذکر کرده است که عمر بن خطاب درباره آن گفت: بدعت پسندیده‌ای است (بیهقی، ۱۳۹۰ق، ۱: ۴۶۹). ابن حزم اندلسی (م ۴۵۶ق) (ابن حزم، بی‌تا، ۱: ۴۷) و ابن اثیر جزیری (م ۶۰۶ق) (ابن اثیر، ۱۳۹۹ق، ۱: ۱۰۶) نیز با استناد به این سخن عمر بن خطاب، بدعت را به دو قسم حسن و مذموم تقسیم کرده‌اند. برخی دیگر از علمای اهل سنت، بدعت را به احکام خمسّه واجب، مندوب، مباح، مکروه و حرام تقسیم کرده‌اند (ابن عبدالسلام، ۱۴۱۴ق، ۲: ۲۰۴؛ نووی، ۱۳۹۲ق، ۶: ۱۵۴؛ قرافی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۳۴۸)، که به نظر می‌رسد این تقسیم آنها بر پایه بدعت بر اساس معنای لغوی است. برخی علمای شیعه نیز این تقسیم را ذکر کرده‌اند با این تفاوت که آنها تلاش کرده‌اند معنای لغوی بدعت را به کار بندند. شهید اول (م ۷۸۶ق) می‌گوید: «نوآوری‌های پس از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اقسامی تقسیم می‌شود که از دیدگاه ما اسم بدعت تنها بر قسمت حرام آن اطلاق می‌شود» (عاملی، بی‌تا، ۲: ۱۴۴). البته شهید اول در کتاب دیگر خود (الذکری) دیدگاه صحیح را این می‌داند که بدعت به دو قسم حرام و مکروه تقسیم می‌شود (عاملی، ۱۴۱۹ق: ۲۳۷).

با نگاهی به روایات شاهد هستیم که هیچ تقسیمی برای بدعت بیان نشده است و هرگونه نوآوری به عنوان گمراهی معرفی شده است. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده

است که فرمودند: «هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش قرار می‌گیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۵۷). آنچه از این روایت و مانند آن فهمیده می‌شود، اینکه بدعت در مقابل سنت قرار دارد و احکام آنها نیز کاملاً در مقابل هم هستند. همانگونه که پابندی به سنت‌ها، امری پسندیده و مورد نظر شارع است، دوری از بدعت‌ها نیز مورد نظر شارع است. این بدان معنی است که مطلق بدعت‌ها ناپسند هستند و نمی‌توان بدعتی را به عنوان بدعت حسنه نام برد.

علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) نیز در شرح حدیث «کل بدعة ضلالة» می‌نویسد: «این حدیث دلالت می‌کند بر اینکه تقسیم بدعت به اقسام خمس که برخی اصحاب ما به تبع عامه انجام داده‌اند، باطل است؛ زیرا بدعت در شرع بر قول یا فعل یا رأی که در دین ایجاد شده و دلیل اختصاصی یا عمومی از سوی شارع درباره آن وارد نشده باشد، اطلاق می‌شود و چنین چیزی یا حرام است یا دروغ بر خدا و رسولش است» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۱: ۱۹۳). با توضیحاتی که در بخش گونه شناسی بدعت بیان شد، دانسته می‌شود تقسیم مورد اشاره، مربوط به بدعت دینی است؛ یعنی وارد کردن امری در دین که جزئی از آن نیست، اما اگر بدعت به معنای لغوی آن باشد، تقسیم آن به حسنه و سیئه، تقسیم نادرستی نیست؛ زیرا بدعت حسنه را می‌توان سنت عرفی حسنه دانست و بدعت سیئه را، در زمره سنت عرفی سیئه قرار داد.

۴-۲. فرآیند شکل‌گیری بدعت

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، بدعت در مقابل سنت قرار داده شده و سرآغاز پدیدار شدن بدعت، از مسیر ترک سنت دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۵۸). در این بین، شیطان نیز نقش زیادی در ایجاد بدعت‌ها دارد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند که شیطان بدعت‌ها را برای مردم ایجاد می‌کند (فتال، ۱۳۷۵ ش، ۱: ۱۲)؛ بنابراین، شیطان با فریفتن برخی افراد، آنان را نسبت به انجام سنت‌ها سست می‌کند و با جایگزین کردن بدعت‌ها، پیروان خود را به مبادرت بر انجام بدعت‌ها تشویق می‌کند. صد البته افرادی که از مسیر هدایت دور شده‌اند، در کامل شدن سازوکار بدعت‌گذاری بی‌تأثیر نیستند.

البته آنچه از برخی روایات فهمیده می‌شود، اینکه بدعت‌ها همواره تأسیسی نیستند؛ بلکه گاهی عملی که قبلاً مشروع بوده ولی بعدها نسخ شده است، اگر دوباره به قصد عمل شرعی انجام گیرد، آن عمل بدعت به شمار می‌رود. امام باقر علیه‌السلام با این

استدلال که عمل متروک بدعت است، روزه روز عاشورا را به عنوان بدعت نام برده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۱۴۶).

۵-۲-۲. پیامدهای ایجاد بدعت

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به ایجاد بدعت تحذیرهای فراوانی بیان شده است. هرچند بیشتر این روایات، ناظر به بدعت‌های دینی است، اما بی‌تردید، بدعت‌های عرفی سیئه را با شدت کمتری نیز در بر می‌گیرد. ایشان بیان کرده‌اند که پابندی به عمل کمی که سنت باشد، بهتر از عمل‌های زیادی است که بدعت باشند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۲: ۱۳۷)؛ این سخن بیانگر آن است که ارزشمندی یک عمل، وابسته به سنت یا بدعت بودن آن است.

پیامدهای زیادی برای بدعت بیان شده است که می‌توان آنها را به دو بخش دنیوی و اخروی تقسیم کرد:

یکی از پیامدهای دنیوی بدعت، ایجاد فتنه است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام زمینه‌های شکل‌گیری فتنه را تمایلات نفسانی و بدعت‌های نوساخته دانسته‌اند که برخی مردم را مبتلا می‌سازد و موجب در هم آمیخته شدن حق و باطل می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۴). در روایت دیگری صاحب بدعت در دنیا ذلیل و دروغگو توصیف شده است (همو، ۲: ۱۶).

پیامدهای اخروی بدعت گریبان‌گیر بدعت‌گذار و انجام‌دهندگان آن بدعت خواهد بود. معروفترین روایت در این زمینه، سخن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که توسط اهل بیت علیهم‌السلام نیز بازگو شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۳: ۵۷۲). حضرت فرمودند: «هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش قرار می‌گیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۷). عبارت دیگری که این مفهوم را می‌رساند سخن امام کاظم علیه‌السلام است که سرانجام برخی بدعت‌ها را کفر دانسته‌اند (همان: ۵۶)؛ بنابراین، پیامد اخروی ایجاد بدعت، کفر و عذاب جهنم است.

در روایات، توبه برای بدعت‌گذار دشوار دانسته شده است؛ زیرا علاقه او به آن بدعت، مانع از توبه می‌شود (همان، ۱: ۵۴). همچنین کسی که بدعتی ایجاد کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۲۶۵) و یا سنت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تغییر دهد، به عنوان ملعون معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ۲: ۳۵۰). امیرمؤمنان علیه‌السلام دو دسته را از بدترین مردم دانسته‌اند؛ دسته نخست، کسی است که دلباخته سخن بدعت شده است. خدا او را به خودش واگذاشته و از راه راست منحرف گشته است. او از نماز و روزه هم دم می‌زند، مردمی به وسیله او به فتنه افتاده‌اند، راه هدایت پیشینیان را گم

کرده و در زندگی و پس از مرگش گمراه‌کننده پیروانش گشته، باربر خطاهای دیگری شده و در گرو خطای خویش است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۵).

البته این پیامدها اختصاص به بدعت‌گذار ندارد، بلکه پیروان صاحب بدعت نیز در گناه آن سهیم هستند. به همین جهت از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمودند هیچ پیامبر و سنتی بعد از من نیست و هر ادعا و بدعتی که بعد از من بنیان گذاشته شود، سرانجام آن دوزخ است و پیروان آن نیز در آتش هستند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۴: ۱۶۳).

در روایات نسبت به نحوه تعامل مؤمنان با بدعت و بدعت‌گذار تذکرات متعددی داده شده است. از رسول خدا ﷺ نقل شده است که حتی رفتن نزد بدعت‌گذار و بزرگداشت او، به معنای اقدام برای نابود کردن اسلام تفسیر می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۴).

ناگفته نماند ظهور بدعت‌ها، وظائفی را بر دوش عالمان دین می‌گذارد که لازم است با روشنگری، در مقابل بدعت‌ها ایستادگی کنند. رسول خدا ﷺ فرمودند کسی که با ترویج حدیثی، موجب زنده شدن سنت و از بین رفتن بدعتی شود، بهشت نصیب او می‌شود (شعیری، بی‌تا: ۱۸۱). اگر عالمی به این وظیفه خود در قبال بدعت‌ها عمل نکند، لعنت خداوند نصیب او خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۴).

صدالبته خداوند نیز به سبب اهل بیت پیامبر ﷺ، به مقابله با بدعت‌ها و جلوگیری از انتشار آنها اقدام کرده است (همان). امیرالمؤمنین ﷺ خود را از بین برنده بدعت‌ها توصیف کردند (مفید، ۱۴۱۳ق [الف]: ۱۶۳). ائمه اطهار ﷺ نیز از هر فرصتی برای تذکر اهل بدعت استفاده می‌کردند. امام باقر ﷺ در مواجهه با سفیان ثوری، خطرات عمل به بدعت را گوشزد کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۶۵). یکی از اصلی‌ترین وظائفی که امام زمان ﷺ بر عهده دارند، احیای سنت‌ها و مبارزه با بدعت‌ها است. امام باقر ﷺ نوید داده‌اند که پس از ظهور امام زمان ﷺ، حضرت از کنار هیچ بدعت و سنتی نمی‌گذرند، مگر اینکه آن بدعت را از بین می‌برند و آن سنت را احیا می‌کنند (مفید، ۱۴۱۳ [ب]: ۲، ۳۸۵).

نتیجه

بر اساس بررسی‌های انجام گرفته در روایات اهل بیت ﷺ پیرامون سنت و بدعت، ماهیت سنت از منظر ایشان همسو با معنای لغوی و اصطلاحی آن است. اقسام متعددی برای سنت قابل دستیابی است که سنت در کنار کتاب، سنت در مقابل

بدعت، سنت در کنار فریضه و سنت در کنار استحباب در روایات اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است. بر این اساس خاستگاه سنت، در دو جبهه حق و باطل ترسیم شده است. رهگیری پیشینه تولید سنت حسنه، آن را به منبع و حیانی متصل می‌گرداند. سنت را می‌توان به دو گونه دینی و عرفی تقسیم کرد. سنت دینی اموری است که از جانب دین تشریع شده است و سنت عرفی، آموزه‌های تکرارشونده‌ای است که به دو قسم حسنه و سیئه تقسیم می‌شود. مهمترین پیامد ایجاد سنت‌های حسنه یا سیئه، برخورداری از پاداش یا عذاب اخروی عمل‌کننده به آن سنت، توسط بنیانگذار آن سنت است. بدعت نیز دارای دو گونه دینی و عرفی است. همه مصادیق بدعت دینی مذموم هستند اما بدعت‌های عرفی، اگر همسو با آموزه‌های دین باشد، به عنوان سنت حسنه شناخته می‌شوند. بدعت‌های عرفی ناپسند نیز سنت عرفی سیئه هستند. پیامدهای دنیوی و اخروی متعددی برای بدعت‌گذار ذکر کرده‌اند که دشوار بودن پذیرش توبه بدعت‌گذار از مهمترین پیامدهای اخروی بدعت نامیده شده است.

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر الجزری، مبارک بن محمد، ۱۳۹۹ق، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، بیروت، المكتبة العلمية.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲ش، *الخصال*، قم، جامعه مدرسين.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ش، *علل الشرائع*، قم، کتاب فروشی داوری.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸ق، *عیون أخبار الرضا*، تهران، جهان.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران، اسلامیه، دوم.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسين.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسين، دوم.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۷۹ق، *الفتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دار المعرفة.
۱۰. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، [بی تا]، *الإحكام في أصول الأحكام*، بیروت، دار الآفاق الجديدة.
۱۱. ابن رجب حنبلی، عبد الرحمن، ۱۴۲۲ق، *جامع العلوم والحکم فی شرح خمسين حديثا من جوامع الكلم*، بیروت، مؤسسة الرسالة، هفتم.
۱۲. ابن عبدالسلام، عبدالعزيز، ۱۴۱۴ق، *قواعد الأحكام في مصالح الأنام*، قاهرة، مكتبة الكليات الأزهرية.
۱۳. ابن فارس، احمد، ۱۳۹۹ق، *معجم مقاییس اللغة*، دار الفكر.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار الفكر.
۱۵. ابو زهو، محمد محمد، ۱۳۷۸ق، *الحديث والمحدثون*، قاهرة، دار الفكر العربی.
۱۶. امین، محسن، ۱۳۸۲ق، *کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب*، بی نا، دوم.
۱۷. برقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، قم، دار الکتب الإسلامية، دوم.
۱۸. بیهقی، احمد بن حسین، ۱۳۹۰ق، *مناقب الشافعی*، قاهرة، مكتبة دار التراث.
۱۹. الجوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، *الصحاح تاج اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین، الرابعة.

۲۰. حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۲ق، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
۲۱. حلی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ق، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۲. دهلوی، عبد الحق بن سیف الدین، ۱۴۳۵ق، *لمعات التنقیح فی شرح مشکاة المصابیح*، دمشق، دار النوادر.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق-بیروت، دار القلم و الدار الشامیة.
۲۴. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۵ش، *البدعة و آثارها الموبقة*، تهران، مشعر.
۲۵. الشاطبی، ابراهیم بن موسی، ۱۴۱۷ق، *الموافقات*، دار ابن عفان.
۲۶. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، *نهج البلاغه*، قم، هجرت.
۲۷. شریف مرتضی، علی بن حسین، [بی تا]، *رسائل الشریف المرتضی*، قم، دار القرآن الکریم.
۲۸. شعیری، محمد بن محمد، [بی تا]، *جامع الاخبار*، نجف، مطبعة حیدریه.
۲۹. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۳۰. طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۵ق، *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، طهران، مكتبة المرئضوی، دوم.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمالی*، قم، دار الثقافة.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الاحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چهارم.
۳۳. عاملی، محمد بن مکی، ۱۴۱۹ق، *ذکری الشیعة فی احکام الشریعة*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳۴. عاملی، محمد بن مکی، [بی تا]، *القواعد والفوائد*، قم، مكتبة المفید، اول.
۳۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵ش، *روضۃ الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات رضی.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، قم، مؤسسه دار الهجرة.
۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۳۴۹ش، *الأصول الأصلیة*، بی جا، سازمان چاپ دانشگاه.
۳۸. الفیومی، احمد بن محمد، [بی تا]، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*،

- بیروت، المكتبة العلمية.
۳۹. قرافی، احمد بن ادريس، ۱۴۱۸ق، *الفروق أو أنوار البروق في أنواء الفروق*، بيروت، دار الكتب العلمية.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۴۰۷ق، *الكافي*، تهران، دار الكتب الإسلامية، چهارم.
۴۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دار الكتب الإسلامية، دوم.
۴۲. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق [الف]، *الاختصاص*، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
۴۳. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق [ب]، *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
۴۴. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق [ج]، *الأمالی*، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
۴۵. نووی، یحیی بن شرف، ۱۳۹۲ق، *المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج*، بيروت، دار إحياء التراث العربي، دوم.
۴۶. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، ۱۳۷۴ق، *صحيح المسلم*، القاهرة، مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاه.
۴۷. مقالات
۴۸. مختاری، مرتضی، ۱۳۹۷ش، «بررسی و تبیین ارکان بدعت از منظر قرآن و سنت»، سلفی پژوهی، شماره ۷، بهار و تابستان، صص ۶۳-۹۷.
۴۹. نهاوندی، محمد مهدی، مختاری، مرتضی، ۱۳۹۸ش، «سنت و بدعت از دیدگاه شیعه»، سلفی پژوهی، شماره ۱۰، پاییز و زمستان، صص ۱۱۹-۱۳۷.
۵۰. واعظ زاده خراسانی، محمد، ۱۳۷۴ش، «سنت و بدعت در اسلام»، ویژه نامه هشتمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، صص ۲۴-۳۲.